

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

امر به معروف و نهی از منکر آیا واجب عینی است یا واجب کفایی

بحث ما در این بود که امر به معروف و نهی از منکر آیا واجب عینی است یا واجب کفایی؟ در بحث گذشته عرض کردیم آن روایتی که از امیرالمؤمنین(ع) است که فرمود رسول خدا فرموده که امرنا رسول الله أن تلقى أهل المعاصي بوجه مكفهر ما بیان کردیم این ارتباطی به بحث امر به معروف و نهی از منکر ندارد و اشاره کردیم به اینکه اصلاً یک بابی را داریم، باب انکار المنکر بالقلب که آن را هم گفتیم نمی شود به عنوان بحث امر به معروف و نهی از منکر قرار داد.

روایات دال بر واجب کفایی بودن امر به معروف و نهی از منکر

حالا در بحث امروز برخی روایات که می شود از آن همین کفایی بودن استفاده شود را می خواهیم متعرض شویم، اولین روایت روایتی است که در کافی شریف جلد پنجم صفحه 59 آمده .

در تهذیب شیخ جلد ششم صفحه 177 هست، در تهذیب دارد عن احمد بن محمد بن خالد که احمد بن خالد برقی هم از اجلای امامیه است و ثقہ است عن محمد بن عیسی بن عبید که ما یک وقتی در بحث های اصول اثبات کردیم امامی ثقہ است، ابن ولید محمد بن عیسی بن عبید را تضعیف کرده، ما در بحث حدیث رفع مان ظاهراً در مباحث اصول گفتیم این تضعیف ابن ولید هم درست نیست، عن محمد بن عرفه، فقط محمد بن عرفه توثیقی ندارد قال سمعت ابا الحسن الرضا(ع) يقول، امام هشتم می فرمود کان رسول الله(ص) يقول إذا أمتی تواكلت الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فليأذنوا بوقاع من الله اگر اُمّت من امر به معروف و نهی از منکر را تواکل کردند، تواکل یعنی این به گردن او گذاشت دیگری به گردن این گذاشت، این منتظر بود او انجام بدهد و او هم منتظر بود این انجام بدهد و در نتیجه خود امر به معروف و نهی از منکر ترک شد فليأذنوا بوقاع من الله، اینها بدانند که یک وقاع، وقاع یعنی النازلة الشديدة، عذاب شدید از ناحیه خدای تبارک و تعالی نازل می شود، ما می خواهیم بگوئیم این تواکل به این معناست که این امر به معروف و نهی از منکر یک واجب عینی نیست اگر یک واجب عینی باشد خود اصل تواکلش معنا ندارد، اینکه در روایت آمده که تواکل، باز تواکل موجب برای عذاب خدا نمی شود، ترکش موجب عذاب خداست و معمولاً مردم کجا تواکل را انجام می دهند؟ جایی که یک چیزی واجب کفایی باشد، واجب کفایی است این منتظر است او انجام بدهد و او هم منتظر است این انجام بدهد.

در باب نماز تعبیر به توکل نمی‌کند، در باب روزه، این واجبات عینیه تعبیر به توکل نمی‌کنند به نظر ما این روایت به خوبی از آن استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است.

حدیث دیگری در همین باب، حدیث 15 است، حالا اگر آن حرف مرحوم نائینی را بزنیم که می‌فرماید روایات کافی را همه تلقی به قبول می‌کنند، این روایت 15 موثق است علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة قال النبي (ص) إِنَّ اللَّهَ عزوجل ليبغض المؤمن الضعيف الذي لا دين له، خدای تبارک و تعالی نسبت به مؤمن ضعیفی که دین ندارد بغض می‌کند، خشم می‌کند، فقیل له و ما المؤمن الذي لا دين له، آن مؤمنی که دین ندارد کیست؟ فرمود الذي لا ينهاي عن المنكر، آنکه نهی از منکر نمی‌کند!

در این روایت می‌فرماید مؤمنی که ضعیف است یعنی تفکیک می‌کند دو گروه را، یک گروهی که ضعیف است و گروهی که ضعیف نیست. آن وقت این ضعیف یعنی چه؟ یعنی مؤمنی که می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر کند، قدرتش را هم دارد اما شارع می‌گوید اینکه نکرد در نزد شارع ضعیف محسوب می‌شود و الا آن ضعیفی که بگوئیم اصلاً از اول قدرت ندارد از اول اصلاً توانایی این کار را ندارد این مسلم مراد نیست، لبغض المؤمن الضعيف یعنی مؤمنی که قادر بر نهی از منکر است اما نهی از منکر نمی‌کند! اگر روایت را اینطوری معنا کردیم یعنی آن کسی که می‌تواند نهی از منکر کند مبعوض خدای تبارک و تعالی است.

این روایت هم باز می‌توانیم بگوئیم اشعار دارد به کفایی بودن، یعنی یک گروهی که به نحو واجب کفایی قدرت هم دارند نهی از منکر کنند اما نکردند این مبعوض خداوند تبارک و تعالی است، روایتش مثل روایت قبل نیست اما باز به نظر ما اشکال دارد.

روایت خیلی خوبی که اصلاً کفایی بودن را برای شما تمام می‌کند، همین روایتی است که قبلاً یک اشاره‌ای به آن داشتیم، حدیث 16 همان صفحه 59 کافی؛ در حدیث 16 که سندش همان سند حدیث 15 است یعنی علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة سندش درست است، می‌گوید سمعت ابا عبدالله (ع) يقول و سئل عن الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر أوجب هو على الأمة جميعاً؟ می‌گوید از امام صادق (ع) سؤال شد که آیا امر به معروف و نهی از منکر بر امت جمیعاً واجب است؟ این سؤال جمیعاً یعنی به نحو واجب عینی! یعنی هر کسی باید امر به معروف کند، هر کسی باید نهی از منکر کند، فقال لا، فرمود خیر، فقیل له و لم، سؤال شد که چرا می‌فرمائید بر همه واجب نیست؟ فرمود إنما هو على القوى المطاع العالم بالمعروف، این امر به معروف و نهی از منکر بر آدمی که قوی است یعنی قدرت دارد و مطاع است، دیگران اطاعتش می‌کند، عالم به این است که معروف و منکر چیست، لا على الضعيف الذي لا يهتدى سبيلاً إلى أي من أي يقول من الحق إلى الباطل می‌فرماید نه آن ضعیفی که این راه را بلد نیست، اهتداء طریق ندارد و نمی‌داند من أي إلى أي بلکه يقول من الحق إلى الباطل از حق به باطل می‌رود، به جای اینکه حق بگوید باطل می‌گوید.

اینجا امام می‌فرماید بر قوی مطاع عالم به معروف، ممکن است کسی بگوید در اینجا دارد شرایط آمر را بیان می‌کند اما اگر گفتیم که این شرایط را هر کسی داشت دیگر بر او واجب عینی باشد، اگر کسی بیاید اینطور به ما اشکال کند، بگوید اینجا دارد شرایط آمر و ناهی را، آمر باید قوی باشد. الان در خیابان یک طلبه‌ای می‌رود و فرض کنید چند تا آدم قلدری که ممکن است با چاقو بزنند انسان را معیوب کنند، بگوئیم ما ضعیفیم نسبت به آنها نمی‌توانیم این کار را انجام بدهیم، باید مطاع باشد، وقتی حرفی زد دیگران گوش کنند که از همین کلمه‌ی مطاع، البته می‌خواهم احتمالش را در ذهنتان قرار بدهم ولو اینکه خود ما قبول نداریم، یک عده‌ای قائل‌اند به اینکه امر به معروف و نهی از منکر مربوط به امام مسلمین است، مربوط به حاکم است، آن کسی که حکومتش هم حکومت شرعی است اما بقیه وظیفه‌ای ندارند، البته ما این حرف را قبول نداریم این مطاع مراد مطاع لغوی است نه مطاع اصطلاحی، یعنی اگر گفت گوش کند، یعنی اگر همین که آقایان هم در فتاوايشان می‌گویند امر به معروف در جایی است که تأثیر داشته باشد این هم از همین قید استفاده می‌کند، می‌گویند همان طوری که اجرای حدود مربوط به امام

معصوم(ع) است امر به معروف و نهی از منکر هم مربوط است ولی از این روایت نمی‌شود آن مطلب استفاده شود.

ابتداءً به ذهن می‌آید که این روایت دلالت بر وجوب کفایی دارد، سائل نمی‌گوید شرایط چیست؟ سؤال می‌کند این فریضه بر همه واجب است؟ امام می‌فرماید نه، بعد می‌گوید چرا؟ امام در جواب چند تا شرط را بیان می‌کند، آن وقت ما گفتیم اگر کسی بگوید با وجود این شرایط واجب عینی شود، چه اشکالی دارد؟ بگوئیم هر کسی که قوی است، مطاع است، عالم به معروف است، بر او واجب عینی باشد، حالا دنباله‌ی روایت را بخوانیم، بعد امام (ع) استدلال می‌کند بر اینکه، این که من گفتم بر همه واجب نیست دلیل این است و الدلیل علی ذلک کتاب الله عزوجل قوله ولتكن منكم أمة، خود امام معصوم می‌فرماید فهذا خاصٌ غیر عام، این خاص است و عام نیست یعنی این امت که در اینجا آمده، یک گروه است ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير پس بر همه واجب نیست.

بعد خود امام علیه السلام دو مرتبه می‌فرماید كما قال الله عزوجل و من قوم موسى أمة يهدون بالحق و به يعدلون در 159 اعراف است و لم يقل على أمة موسى فرمود من قوم موسى أمة یعنی بعضی از قوم موسی، نفرمود على أمة موسی، نفرمود على كل قومه، بعد فرمود و هم يومئذ أمةٌ مختلفةٌ باز می‌فرماید و الامة واحدةٌ فصاعدة، امت یکی بیشتر را هم شامل می‌شود كما قال الله عزوجل إن إبراهيم كان أمةً قانة لله يقول مطيعاً لله عزوجل، و ليس على من يعمل ذلک فی هذه الهدنة من حرجٍ وقتی که زمان هدنه است، زمان صلح است زمان مسالمت است، حرجی نیست، اذا كان لا قوة له و لا عدد در بعضی از نسخ دارد و لا عذر، عدد شاید بهتر هم باشد، و لا طاعة، در زمان هدنة که قوتی نیست، عددی هم مسلمان‌ها ندارند، اطاعتی هم در اینجا نیست اینجا می‌فرماید و ليس على من يعلم ذلک فی هذه الهدنة من حرجٍ.

حالا این من يعلم ذلک کیست؟ فقه الحديث روایت به نظر من خیلی مشکل است و ليس على من يعلم ذلک فی هذه الهدنة من حرجٍ، یعنی کسی که الآن می‌داند معروف چیست و منکر چیست؟ ولی چون زمان زمان هدنه است اگر ترک شود مانعی ندارد، آیا می‌شود استفاده کرد که در زمان هدنة امر به معروف و نهی از منکر اصلاً وجود ندارد یعنی بگوئیم الان هم که زمان ما هدنه است وجود ندارد؟ بگوئیم می‌رود تا زمان ظهور حضرت حجت (عج) آنجا بگوئیم الذين إن مكناهم فی الأرض أقاموا الصلاة و أتوا الزكاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر. این روایت گرچه در اینجا هست اولاً از روایت یک چیزی که استفاده می‌شود این است که بالأخره امر به معروف و نهی از منکر بر همگان واجب نیست، اگر یک چیزی واجب عینی باشد همه باید بروند شرایطش را یاد بگیرند مثل نماز، نماز واجب عینی است که باید یاد بگیرند، شرایطش چیست؟ حقیقتش چیست؟ به چه صورت باید خوانده شود؟ اینها باید یاد گرفته شود.

گفتیم سؤال سائل از این است که آیا این واجب عینی است؟ چون جمعاً یعنی واجب عینی هست یا نه؟ امام می‌فرماید نه، ولی گفتیم اگر این هست آنچه دنبالش آمده شرایطش است، بگوئیم که امام اوّل می‌فرماید واجب عینی نیست کفایی است، یک. تازه کفایی هم که هست مثل سایر واجبات کفاییه نیست، در بقیه واجباتی که کفایی است باید برود یاد بگیرد الآن اگر کسی در روستایی می‌بیند برای دفن میت کسی نیست انجام بدهد باید برود شهر یاد بگیرد غسل دادن را، دفن کردن را، یاد گرفتن همه‌اش بر او واجب است.

بگوئیم دنباله‌ی روایت، امام می‌فرماید نه، امر به معروف و نهی از منکر لزومی ندارد کسی راه بیفتد تا یاد بگیرد، اگر یک کسی در میان امت عالم قادر مطاع باشد بر این واجب است، تازه به نحو واجب کفایی، پس ببینید به نظر ما اصل نفی وجوب عینی از این روایت استفاده می‌شود، این یک. و وجوب کفایی هم که استفاده می‌شود آن هم باز در یک حدّ محدودتری است یعنی مثل سایر واجبات کفایی نیست که انسان لازم باشد یاد بگیرد، اگر کسی عالم و عارف بود، در درجه‌ی اول ما معتقدیم که معصوم(ع) عارف است، عالم است، در درجه‌ی دوم علما عالم هستند این نتیجه‌اش این است که بر خود این علما که عالم هستند به نحو واجب کفایی امر به معروف و نهی از منکر واجب است.

سؤال:...

پاسخ استاد:

ما نظرم را در اینجا می‌گوئیم که بعضی گفتند از روایت و لیس علی من يعلم ذلك فی هذه الهدنة من حرج خواستند استفاده کنند که این اختصاص به امام معصوم(ع) دارد ما فعلاً وارد این بحث نمی‌شویم که آیا امر به معروف اختصاص به امام معصوم دارد، یا شامل دیگران هم می‌شود، این اولاً.

سؤال:...

پاسخ استاد:

ثانیاً در واجب کفایی یک مبنا این است که علی الجميع واجب است و به امثال بعضی از ذمه‌ی بعضی ساقط می‌شود اما یک مبنا این است که به نحو بدلی و غیر معین واجب است، این هم یک مبناست.

بحث ما این است که این کفایی است یا عینی؟ ما می‌گوئیم از روایت به خوبی استفاده می‌کنیم نفی واجب عینی بودن را، یک و استفاده می‌کنیم تازه این واجب کفایی مثل سایر کفایات نیست محدودتر از آنهاست. ما ذهنمان را باید از آنچه که خودمان در آن اعتقاد داریم خالی کنیم در بحث‌های اجتهادی، ببینیم دلیل چه می‌گوید؟ ما باشیم و این روایت می‌گوید در باب دفن میت چه بسا باید یاد بگیرد اما در باب امر به معروف، یک کسی هست که می‌گوید من معروف را بلد نیستم، هیچ فقیهی نداریم که بگوید این باید برود معروف‌ها را یاد بگیرد.

سؤال:...

پاسخ استاد:

این إنما هو یعنی وجوبش منوط به این قوی مطاع عالم به معروف است.

سؤال:...

پاسخ استاد:

این روایت اضطرابی ندارد.

سؤال:...

پاسخ استاد:

راوی اتفاقاً اصل وجوب برایش مسلم بوده، سؤال کرده بر همه؟ امام می‌فرماید نه.

پس این آیه‌ای که الآن محل بحث ماست و یأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر، از این آیه استفاده کردیم وجوب کفایی را و این روایات هم مؤید آن است امر به معروف و نهی از منکر وجوب کفایی دارد. قبلاً هم عرض کردم نه اینکه بگوئیم حالا چون آن طرف را می‌بینیم خیلی مشکل است داریم تلاش می‌کنیم تا اثبات کنیم کفایی بودن را.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

